

آینه‌های روبه‌رو

مهم سینمای کودک است

کیمیا امینیان

■ **محمدعلی طالبی در دو روز گذشته توانسته با دو فیلم باد و مه و علفزار جایزه‌های زیادی را از آن خود کند؛ جایزه‌هایی که خودش می‌گوید بیشتر برای کمک به سینمای کودک است که مورد علاقه خودش هم هست. فیلم «علفزار» از ایران به کارگردانی محمدعلی طالبی جایزه بهترین فیلم بلند را از هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک هند گرفت. فیلم سینمایی «علفزار» تنها محصول سینمایی گروه کودک و نوجوان مرکز سیمافیلم است و توسط جواد نوروزبیگی تهیه شده است. گوهر خیراندیش، روزالدین اعلمی و شعله محمدی بازیگران این فیلم هستند.**

■ **بعد از کسب پنج جایزه از بخش بین‌المللی جشنواره فیلم کودک یکی دیگر از فیلم‌های شما هم در جشنواره هند توانست جایزه اول را کسب کند. اما کمتر کسی از این اتفاق خبردار شد.**
در دو روز گذشته دو فیلم باد و مه در جشنواره کودک اصفهان و روز گذشته هم فیلم «علفزار» در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک هند توانست جایزه بهترین فیلم را از آن خود کند و افتخاری برای ایران کسب کند. اما متأسفانه این جایزه‌ها به‌خصوص پنج جایزه‌ای که در جشنواره اصفهان کسب کردیم بازتاب زیادی نداشت و رسانه‌ها هم به آن توجهی نکردند. جشنواره بین‌المللی فیلم هند یکی از معتبرترین جشنواره‌های بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان است که کسب جایزه اول این جشنواره اهمیت زیادی دارد. اما من به دلیل شرکت در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان برای شرکت در این جشنواره شرکت نکردم. به این دلیل که اصفهان برای من اهمیت بیشتری داشت. علفزار فیلمی در ژانر کودک و نوجوان است که من با مشارکت سیمافیلم به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی ساختم‌ام و به این جشنواره فرستادم. ■ **همان‌طور که اشاره کردید جشنواره فیلم هند یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم کودک است. تا جایی که می‌دانم شما یکی، دو جایزه دیگر هم از این جشنواره کسب کردید.**

بله، این دفعه اولی نیست که یکی از فیلم‌های من جایزه اول جشنواره فیلم هند را کسب می‌کند. قبلاً هم با فیلم‌های چکمه، تیک‌تاک و کیسه پرنج فیلم طلایی و نقره‌ای را کسب کرده ام. مهم این است که این فیلم توانسته در یک جشنواره بین‌المللی دیده شود و مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر همین که دو فیلم در عرض دو روز توانستند مطرح شوند و افتخار کسب کنند خبر خیلی خوبی است. ■ **یک از موضوعاتی که فیلمسازان کودک با آن روبرو هستند، عدم‌اگران فیلم‌های خوبی است که در این‌گونه هنری ساخته می‌شود؛ موضوعی که باعث شده کسانی که در حوزه فیلم کودک فعالیت می‌کنند یا فیلم‌سازان در دو حوزه‌های دیگر مشغول شوند.**

این موضوعی که اشاره می‌کنید نکته بسیار مهمی است. چند سالی است که فیلم کودک مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. اما خوشبختانه در این دوره از جشنواره فیلم کودک صحبت‌های خوبی شد و قرار شد که چندین سینما به‌طور اختصاصی به کودکان اختصاص داده شود. ■ **تا جایی که به یاد دارم در گذشته هم سینمایی خاص کودک وجود داشت.**

بله، در گذشته هم بود. اما چند سالی سینمایی مربوط به کودکان وجود نداشت. اما در این جشنواره این بحث جدی‌تر شد و با توجه به صحبت‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که باید به سینمای کودک بپردازیم. امیدوارم هرچه زودتر اتفاقاتی در این زمینه بیفتد و شاهد اکران فیلم‌های خاص کودکان باشیم. من به‌عنوان فیلمساز کار خودم را می‌کنم و فیلمم را می‌سازم. اما در چند سال گذشته من چندین فیلم ساختم که هیچ کدام نتوانسته است اکران شود. همین فیلم باد و مه که در جشنواره اصفهان پنج جایزه را کسب کرده در ایران اکران نشده اما در آلمان اکران شده و مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفته است. اما در ایران با سکوت درباره این فیلم روبرو هستیم. علفزار در هندوستان اکران و دیده شده است. اما حتی تلویزیون آن را نشان نداده است. کاری از دست ما هم بر نمی‌آید و ما می‌توانیم امیدوار باشیم فیلم‌های کودک بیشتر از این مورد توجه قرار بگیرد.



خبر آخر

برترین‌های جوایز تئاتر استاندارد اوینگ لندن معرفی شدند

■ **رویترز:** پنجاه و هفتمین مراسم اهدای جوایز تئاتر استاندارد اوینگ لندن روز گذشته در حالی برگزار شد که «بندیکت کامبرباج» و «جانی لی میلر» به‌طور مشترک موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد شدند. این دو بازیگر برای بازی در نمایش فرانکشتاین به کارگردانی «دنسی بویل» برنده این جایزه شده‌اند. «شرایدن اسمیت»، بازیگر نمایش «گاوین و استیسی» نیز برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد. در این میان «کریستین اسکالت توماس» بازیگر مطرح هالیوود که در اپین «قابلیت‌های ویژه بهترین بازیگر زن را به اسمیت باخته بود، از سوی آکادمی تئاتر اوینگ لندن، مورد تقدیر قرار گرفت و برنده جایزه ویژه لیدو شد.

یک – اجرا به شرط احیا

چند سال پیش که از تئاتر حرف‌های با آن شکل و شمایل کهنه و مرسومش خداحافظی کردم، می‌دانستم که برای رسیدن به شیوه‌ای نو باید از هفت‌خوانی بگذرم که به بهای زندگی هنری‌ام تمام خواهد شد؛ و چه چیز بهتر از اینکه به سفر ناشناخته‌ای بروی که در لحظه‌اش اتفاق، جریان و موقعیت تازه و ناب‌ی است که تو را می‌سوزاند و می‌سازد. از همین جا بود که حرکت آغاز شد. اولیسن مرحله احیا بود؛ احیای تن و جان. کار روی ایده‌های نو و یافتن انسان‌هایی که همسو و همراه ایده ایده خارج شدن از سالن‌های تئاتری و رفتن به فضاهای طبیعی و شهری از سال ۸۵ شروع شد و چند سالی ادامه پیدا کرد تا رسید به احیای فضاهای مرده و فراموش‌شده به وسیله اجرا مینا بزرگمهر و کیارش اقتصادی ستون‌های دیگر ایده «جرا به شرط احیا» شدند تا بنای آن بر پا شد و بعد هم که همراهای دیگر آمدند و ساختندش.

دو – پارکینگ ضایعاتی که تبدیل به فضای فرهنگی شد!
پیشنهاد مدیر بنیاد رودکی به من برای اجرای «پایکوبی اسب‌ها، پشت پنجره» در پارکینگ تالار وحدت (فردوسی) حرکت مثبتی بود که باعث این رویداد شد و جای آن را داشت که رسانه‌ها و مطبوعات بذل توجه بیشتری نسبت به چنین

اقداماتی کنند تا باعث تشویق و ترغیب مدیران و مسوولان شوند؛ گاهی تشویق کردن بیشتر از تنبیه کردن جواب می‌دهد. خلاصه ما هم براساس باور احیایی‌مان پیشنهاد احیای فضای پارکینگ و تبدیل آن به فضایی دایمی و مناسب برای اجرای محیطی و روباز را دادیم و خوشبختانه پذیرفته شد. هرچند که طبق معمول با شروع حرکت، موانع و مشکلات هم سر بیرون آوردند و کم‌کاری‌ها و بی‌مسئولیتی‌ها و به من چای‌ها و نغذنه‌ای‌ها از جانب کسانی که داعیه فرهنگ و هنر دارند، شروع شد و تا همین لحظه هم ادامه دارد، ولی هیچ‌کدام از این بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها ما را نه‌تنها از میدان به در نمی‌کند بلکه قوی‌ترمان می‌کند و انگیزه بیشتری بهم‌ان می‌دهد. انگیزه ادامه دادن برای ایجاد فضای فرهنگی و زندگی.

سه – اجرای بین‌رشته‌ای

یکی دیگر از پایه‌های اجرایی «گروه هنری نوآر» بین‌رشته‌ای بودنش است. برای احیای یک فضا و آرایه یک ایده و مفهوم از گروه‌ها و رشته‌های مختلف هنری، فنی، ورزشی و... دعوت می‌کنیم تا وارد فضای کار شوند و نگاهشان را از

ادب‌وهنر

نگاه

هادی کمالی‌مقدم

کارگردان

طریق هنرشان وارد اجرا کنند. بنابراین ملاقاتی فرهنگی میان انسان‌هایی از این دست شکل می‌گیرد تا با هم حرفی مشترک بزنند در فضایی که خودشان سازنده‌اش هستند. خلق فضا و مفهومی مشترک که همه را دور هم جمع می‌کند تا بسازند و بسازند و بسازند. ما نیاز داریم که با هم بودن و در کنار هم کار کردن را لحظه به لحظه تجربه کنیم.

چهار – پایکوبی اسب‌ها، پشت پنجره

این اسب‌ها برای رسیدن و استقرار در وادی پارکینگ وحدت از هفت‌خوان گذشته‌اند. ۱۹۸۷- شکل‌گیری نطفه اسب‌ها در رومانی توسط نویسندهای که تا آن زمان تمامی آثارش به دست حکومت کمونیستی زمانه توقیف شد.

۱۹۹۶- تولد «اسب‌های پشت پنجره» در فرانسه، جایی که به گفته نویسنده پال‌هایش در آنجاست. ۲۰۰۶- برگردان «اسب‌ها» به فارسی به دست مترجم اولین بارها «مدعیان و صاحبان» دارند. کار ماجرای محیطی و مفهوم طی کردن این مسیر است، با عشق و ملح و دوستی.

دبیر جشنواره فیلم فجر :

«هر گاه اسبی در جایی پای می‌کوبد، حادثه‌ای خبر می‌کند...»

۱۳۸۷- فضاسازی و خوانش «اسب‌ها». در خانه هنرمندان ۱۳۸۷- اجرای «هرتیه برای اسب‌های پشت پنجره» در کارگاه سقال مارلیک مهرشهر با حضور نویسنده و مترجم ۱۳۹۰- «پایکوبی اسب‌ها، پشت پنجره» در پارکینگ وحدت: جنگ؟! کلمه‌ای آشنا و سه‌حرفی با تعاریف و تفاسیری متفاوت که عده‌ای برپایش می‌کنند و عده‌ای زندگی خود را بدان می‌پازند؛ پدر، مادر، فرزند، همسر، دوست، خانه، میهن و... «پایکوبی اسب‌ها، پشت پنجره»، جایی است میان جنگ و صلح؛ جایی در حاشیه؛ ارتعاشاتی که همواره روزمرگی‌هایی را زیر و رو می‌کند و روزمرگی‌هایی دیگر، موقتی، پرتالپ‌ها و در هیجان برجای می‌گذارد. محدودهای که ناغافل در آن قرار می‌گیریم و با لرزه‌هایش به زندگی‌مان معنا می‌دهیم. اسب‌ها تا جمعه چهارم آذر هر شب ساعت هفت در پارکینگ پای می‌کوبند.

پنج- کلام آخر

ما بالی و پدر و مادر تئاتر تجربی، کارگاهی، پستمدرن، آونگارد و چه و چه‌ها نیستیم. این‌ها همه در این شهر «برای اولین بارها» مدعیان و صاحبان دارند. کار ماجرای محیطی و مفهوم طی کردن این مسیر است، با عشق و ملح و دوستی. مهم‌ترین پشتیبان سینمای ایران بوده است. جذابیت سینمای ایران در گذشته در تمایی جهان به دلیل مسایل اخلاقی بوده و فضای سالم در سینمای ایران حکم بوده است اما امروز در برخی تولیدات سینمای مسایل اخلاقی نادیده گرفته می‌شود که باید در ساخت فیلم‌ها به ارزش‌ها و مسایل دینی توجه کرد. در جامعه سینمایی اخیرا شاهد بداخلاقی‌هایی هستیم و در جامعه سینما نقدهایی وجود دارد که درست نیست. سینما مانند جامعه ورزشی نیست و آدم‌هایی در عرصه سینما وجود دارند که می‌توانند جریان‌ساز باشند. اما امروزه فضای نامناسبی بر کل سینمای ایران حکم شده است. ما می‌خواهیم اخلاقیات را به سینمای ایران بازگردانیم و در اختلافات به جای صدور بیانه‌ی علیه یکدیگر، به گفت‌وگو بنشینیم و نگذاریم محیطی ناسالم در سینمای ایران حکم شود. اگر اختلاف‌های امروز ادامه پیدا کنند، دیگر نمی‌توان این اختلاف‌ها را برطرف کرد. پس باید همه برای کاهش اختلافات و همکاری بیشتر کمک کنیم» حذف بخش ویدیویی، متمرکز نشدن فیلم‌های بخش فیلم‌های بین‌الملل در چند روز ابتدایی، اضافه شدن بخش‌های آینه سینما و سعادت در سینما، اضافه شدن بخش سینماحقیقت برای مستندها، گستردگی جشنواره در استان‌ها، برگزاری دومین کنفرانس بین‌المللی هالیوودیسیم و سینما و خریداری حق رایت پنج فیلم بهترین بخش مسابقه سینمای ایران از دیگر اتفاقاتی است که در این دوره جشنواره می‌افتد. جشنواره‌ی‌س‌ام با شعار اخلاق، آگاهی و امید برگزار می‌شود و دبیر ششواره هر فیلمی را که در این راستا نباشد، حذف خواهد کرد.

رولینگ در برابر مرداک

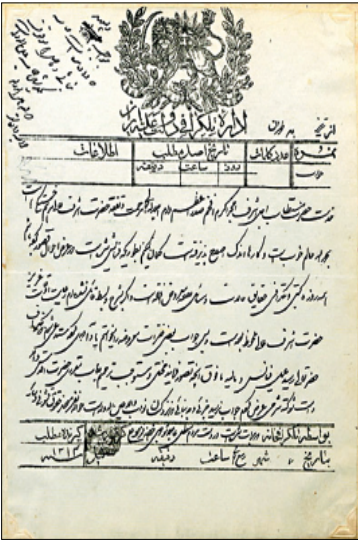
شرق: «جی.کی. رولینگ» که همراه دیگر قربانیان شند تلفتی کمپانی «نیوز اینترنشنال» از امروز در دادگاه حاضر می‌شوند تا علیه مرداک این غول رسانه‌ای جهان شهادت بدهند. «سینا میلر» و «شارلوت چرچ» و «الدین «میلی داور» که دختری که در جریان رسوایی‌های مرداک به‌عظر مزمری به قتل رسید، از شهادت‌دهندگان هستند.

چهار روز برای فیلم‌های مستند

در سانس‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ فیلم‌های «مهر» به کارگردانی حسن نقاشی، «پنجره شرقی» به کارگردانی محسن رمضان‌زاده و «هلم» به کارگردانی محمدعلی فارسی ساعت ۱۴، «فرشته‌ای روی شانه من» به کارگردانی آزاده بی‌زارگینی و «بک آن» رایا نصیری ساعت ۱۶، «سلاطین خیابان‌ها» به کارگردانی پالیز خوشدل و زینب تبریزی و «دمنک‌ها» به کارگردانی یگانه آهنگرانی ساعت ۱۸ به نمایش درمی‌آید. جمعه چهارم آذرماه نیز در سانس‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ فیلم‌های مستندهای «سبز، سپید سرخ» به کارگردانی محمدرضا هاشمیان، «خلیج فارس» به کارگردانی اید عطاپور، ساعت ۱۶، «تاق من» خانه قمر خانم» هر دو ساخته آپدا پناهنده ساعت ۱۸، مستندهای «صل کبی برابر اصل» حمیده رضوی و «پیر پسر» مهدی باقری به نمایش درمی‌آید. همچنین ناصر صفاریان (دبیر این هفته فیلم) اعلام کرد حضور برای اعضای خانه سینما، خبرنگاران و گزارشگران سینمایی و دانشجویان سینما آزاد است.



عزت‌ملک ملک، دختر زندیاد حاج حسین آقا ملک واقف و بنیانگذار کتابخانه و موزه ملی ملک، تعداد ۳۰ سند از دوران قاجار را به این موسسه اهدا کرد. اکثر این اسناد که حاوی یادداشت‌ها، گزارش‌ها، نامه‌ها و تلگراف‌هاست متعلق به دوران مظفرالدین شاه، پنجمین پادشاه سلسله قاجار است. برخی از اسناد این مجموعه متعلق به ولیعهد مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه بعدی حاکم آذربایجان است. گزارش‌های این مجموعه متعلق به میرزا محمد مستوفی است که نقش مهر وی در ظهر نامه‌ها و گزارش‌ها به چشم می‌خورد. از مجموع ۳۰ سند اهدا شده تعداد ۲۷ سند دارای تاریخ است که تقریباً نیمی از متعلق به ۱۳۱۰ قمری و جدیدترین سند مربوط به سال ۱۳۴۱ قمری است.



جدیدترین قسمت فیلم گرگ میش که در آمریکا اکران شده است توانست در اولین هفته فروش خود رکورد فروش جهانی را در آمریکای شمالی بشکند و در نخستین هفته فروش به رکورد ۲۸۳ میلیون دلار برسد.



گزارش تصویری

کلبه کوچک من

زیرک‌ها و زیرک‌تراها (۸۹)

اردشیر خرم‌نکوب

■ **مرد زمین‌دوست برای اینکه من و جوان، او را زیرک و باهوش و باکیاست بدانیم، خاطره‌ای تعریف می‌کند: در کار ما هم رقابت هست، هم حسادت. حسود کار من یک ارتشی بازنشسته بود. برای خودم کار می‌کرد اما بدش نمی‌آمد ترتیب مرا بدهد. یکبار پلیس به کار من مشکوک شد و مرا با حکم قضایی بازداشت کرد. خیلی زود کشف کردم سرخ داستان در دست یک افسر ارشد است. او را نمی‌شناختم، اما در دستکاری او بی‌بردم بود. پیشنهاد اولیه را بالا بردم. اول عصبانی شد و بریده‌بریده، پیشینه‌ام را بالا بردم. اول عصبانی شد و مقاومت کرد اما سرآخر به چانه‌زنی هم پرداخت که مبلغ را بالا ببر. بالا بردم. به زانو در آمد و مسیر پرونده را معکوس کرد. یعنی جای من با شاکي عوض شد. من بیرون رفتم و شاکي به زندان افتاد. هنوز کار من تمام نشده بود. پیشنهاد اولیه را بالا بردم. گفتم این پول اضافی را می‌دهم برای خوشمالي شاکي. به شرط اینکه خودم هم تماشا کنم. شاکي مرا روی زمین خواباندند و با یک فشار، کتفهای او را از جای اصلی بیرون بردند. دست‌های او را از پشت به هم بستند و با یک بالابر برقی، تا سقف سالن او را بالا کشیدند. من در اتاق دیگر از پشت یک شیشه تماشا می‌کردم. این اتاق را با جدارهای ضخیم و آکوستیک ایزوله کرده بودند تا صدا فقط از بلندگوهای مخصوص شنیده شود. اما فریادهای دلخراش شاکي من آن قدر بلند بود که در دیوار ضخیم اتاق می‌گشتش و به گوش من می‌رسید. کار من اینجا هم تمام نشد. کاری کردم آن افسر ارشد سِر یک قرار رشوه لو رفت و کلا از اداره پلیس اخراج شد. یک سنت هم به پول ندادم. زمین‌دوست هر جمله‌ای که می‌گوید، سکوت می‌کند تا تاثیر و نفوذ سخنش در ما کامل شود. برای تعریف این خاطره، عجله‌ای ندارم. چیزی که ما فراوان در اختیار داریم، وقت است. و او، آرام و بی‌شتاب، خاطره‌اش را مرمزمه می‌کند و پیش می‌رود. جوان که با دهن‌ باز شروع می‌کند به فرود سخن او شده است، هر از گاه با قهقهه‌های ناتمام زمین‌دوست را تحسین می‌کند. زمین‌دوست می‌گوید: دانستید شاکي من کی بود؟ همان ارتش‌ی بازنشسته. که با معالجات فراوان، هیچ‌وقت کتف‌های او را جاد فرشته‌اش، به جای اولش نرنگشت. این را که می‌گوید، جوان از ج‌ای می‌د وسط کلبه و شروع می‌کند به رقص تند دست‌هاش در دور دهان لوله می‌کند و مثل سرخ‌پوست‌ها ههوو می‌کشد که یعنی: زمین‌دوست، تو دیگر چه جانوری هستی زمین‌دوست، با پیروزی و لیجندتی که به لب دارد، می‌رود و بر لب تخت خود می‌نشیند. و من، در حیرت‌م که او چرا اسرار خود را یک‌بکه برای ما وایمی‌شکند**

ادامه از صفحه ۱۲

تاریخ آدم‌ها روی بوم نقاشی

■ **در کارهای شما این نکته کاملاً هویداست که زنان در تاریخ نقش برجستهای را ایفا کرده‌اند.**
در این آثار هدف اصلی من مطرح کردن بانوان موفق تاریخ ایران بوده است البته ممکن است آقایی هم در کنار این بانوان باشند ولی نگاه ویژه من به خانم‌هاست. در ابتدای کتاب «هرگوروش» به ۱۷ بانوی مهم تاریخ ایران اشاره کردم. در این نمایشگاه آرتیمیس را می‌بینید که به هیچ‌وجه زن معمولی نیست. او هم‌تراز کلوپاترا و ژاندارک یک زن تاریخ‌ساز است که از ایران می‌آید. آرتیمیس با خشایارشا به جنگ یونانیان می‌رود و نقشی مهم در دوره هخامنشیان ایفا می‌کند. تلاش من در نقاشی کردن این ۱۷ بانوی مهم تاریخ کنج ایران این است که نقش خانم‌ها در این تاریخ درخشان‌باور یادآوری شود البته بدیهی است که تصاویر این زنان از ذهن من برمی‌آید و از چهره واقعی آنها گزارش و خبری نیست. **■ از سویی به نظر می‌رسد نقاشی کردن زنان در کنار مردان هخامنشی نوعی اعتراض شما به عدم حضور زنان در نقش‌های سنگی است که در تخت جمشید به جای مانده است.**

این یکی از حیرت‌های همیشگی من است. باورم این‌شود که هخامنشیان هنگام خلق آن نقش‌های سنگی روی دیوارهای تخت جمشید، زنان را نادیده گرفته باشند. همیشه فکر می‌کنم شاید در دوره خاصی از تاریخ شده‌اند و رویکرد مفهوم گرایانه بافتند مثلاً در آثار کم که تم موضوعی شان تاریخ است، این ترک‌ها نما خود تاریخند، غبار تاریخند. اکنون به جایی رسیده‌ام که اگر این ترک‌ها را در کارم نبایرم گویی هنوز کار تمام نشده است.

■ **برای زندگی به ایران باز نمی‌گردید؟**

همین قصد را دارم. ۱۲ سال زندگی در کانادا کافی است. من همیشه دلم برای این ترک‌ها تنگ است درختی هستم که نمی‌توان آن را در جای دیگر کاشت، باید در همین جا زندگی کنم تا بتوانم نقاشی کنم. شاید در بازگشت مقوله آموزش را نیز جدی بگیرم به‌خصوص در این روزها که اقتصاد هنر در پس این بحران‌های بزرگ اقتصادی رونقی ندارد.